

مصاحبه با برادر «لاله زار» مسئول
قرارگاه کربلا

س - گفتگویی داریم با برادر لاله زار مسئول
قرارگاه کربلا در یکی از محوره‌های عملیاتی
در رابطه با مسئولیتان در این قرارگاه لطفا
توضیح دهید کار اصلی این قرارگاه چیست و چه
کاری در این منطقه انجام میدهد؟

ج - باسلام و درود به رهبر کبیر انقلاب امام
خمینی و همه شهدای راه اسلام از صدر اسلام
تا کربلای ایران، من سید محمد لاله زار مسئول ستاد
پشتیبانی جنوب، ستاد کربلا، قرارگاه شهید نجیبان،
قرارگاه مهندسی ستاد پشتیبانی کربلا که ستادهای
مختلف منطقه را که پشتیبان سپاه و لشکرها و تیپ
های مختلف در منطقه هستند پشتیبانی میکند.

س - نقش جهاد را کلا از شروع جنگ تحمیلی
از آروزهایی که ارتش و سپاه منسجم نبودند تا حال
حاضر توضیح دهید و ذکر کنید که ابتدا فعالیت
جهاد چه بود و چه امکاناتی در آن زمان بود
جنگ چه کارهایی انجام میداده و در این دو ساله رسد
کمی و کیفی آن در رابطه با جنگ چه بوده است؟

ج - امریکا بعد از جنایت های خود در ایران و
طرحهای مختلفی که برای از بین بردن انقلاب
اسلامی کشیده بود با توجه به اینکه در آن موقع
انقلاب تازه پل بود و آنها فکری کردند که ایران
ارتشی دارد که سرانش با روحانیت و اسلام کنار
نخواهند آمد و این ارتش از هم باشیده است عده‌ای
از سرانش که خانن بودند معنوم شدند و عده‌ای
فرار کردند و عده‌ای که هستند با انقلاب و روحانیت
کنار نخواهند آمد، و از طرفی سپاه هم تازه کار است
و تعدادی جوان بی تجربه در آن هستند که حتی
تایحال سلاحی در دست نگرفته‌اند چه به اینکه
تشکیلات نظامی داشته باشند که بتوانند بایک
ارتش منظم بچنگند این تحلیل ها باعث شد که به

امروز صدام در اطراف بغداد خاک ریز

می زند، کانال می کشد که وارد

بغداد نشویم

فعالیت شهید علم الهدی و خدمات جهاد در جبهه
و... مصاحبه‌ای ترتیب داده است که اینک از
نظر تان می‌گذرد

گزارشگر مجله جهاد، قبل از شروع عملیات
والقبر با برادر لاله زار مسئول قرارگاه
کربلا در باره مسائل کلی جنگ، علت حمله
صدام به ایران، شکل گیری جهاد در جبهه،

امازمانی که امت اسلام به رهبری امام و به فرمان
امام به جبهه آمدند و همان سپاهی که آنها رویش
حساب نمی کردند به پشتیبانی مردم به جبهه آمد و
جهادی که در روستاها تازه شروع کرده بود خرابی
های رژیم گذشته را بسازد به جبهه آمدند از همانجا
جلوی دشمن سد می شوند به عنوان مثال
در چند کیلومتری اهواز طرف نبرد و تأمین آنها به
بشت حمیدیه یعنی ۳۰ کیلومتری اهواز و از طرف
دیگر نزدیک شوش و ذرفول آمدند و جاده

✱ جهاد هم با یک امکانات خیلی کم و جزئی به جبهه‌ها آمد و
کارهایی از قبیل سنگر سازی، خاکریز زدن و راهسازی را در
همان اوایل جنگ شروع کرد.

استراتژیکی اهواز - اندیشک را مورد تهدید
قرار دادند از آنطرف عبور راه شلمچه را سد و
خرمشهر را اشغال کردند و بعد محاصره در آوردن
آبادان حضور این مردم و حضور نیروهای سپاه و
جهاد - حرکت نیروهای مزبور عراق را سد کرد،
همانطور که عرض شد برادرهای سپاه اول که آمدند
با آن تعداد کم و بدون حتی سلاح که بنی صدر هم
در این نقشه دست داشت و کتیا دستور داده بود که
سلاح به این برادرها ندهند، جهاد هم بایک امکانات
خیلی کم و جزئی به جبهه‌ها آمد و کارهایی از قبیل
سنگر سازی، خاکریز زدن و راهسازی را در همان
اوایل جنگ شروع کرد زیر آتش های شدید آن زمان
عراق، جاده‌ها ساخته شدند و توانستند نیروها حداقل

این نتیجه برسد که ظرف ۳ تا ۶ روز می‌تواند
قسمت اعظم خاک ایران را توسط صدام اشغال و
تجزیه کند، خوزستان را جادو بنام عربستان و
کردستان را بنام کشور کردستان نامگذاری کرده
و در طرح او این طرف یعنی ایران قدیم که با سازی
که شاید قبلا بانی صدر خانن شده بود، (حتی
او برای رهبری احیانا ایران قدیم در نظر گرفته شده
بود) جزء منطقه ایران قرار میگرفت.

ارتش صدام انتخاب میشود و این مأموریت
را به صدام میدهند، صدام نیروهای خود را که یکی
از قویترین نیروهای زرهی منطقه است وارد خاک
ایران میکند و دقیقاً محل‌های مورد مأموریت خود را
پیش میاید بدون اینکه هیچ مانعی سر راه خود ببیند

جلوی حرکت دشمن را بگیرند.
از طرفی کمک های مردمی که از طرف امت
شهید پرور توسط جهاد جمع آوری میشد نیروهای
در خط را تدارک میکرد به آنها روحیه میداد و
همچنین کارهایی از قبیل تعمیر ماشین آلات سنگین
و سبک رزمندگان ارتش و سپاه و حتی در مواقعی
که لازم بود و آنجایی که میدیدیم دیگر خوزستان
دارد از دست می‌رود و میدیدیم که چگونه بنی صدر
خیانت میکند و حتی نیروهای نظامی و سپاهی ما را
در جبهه راه نمی دهند، در آن موقع جهاد دوشادوش
برادران سپاه سلاح بدست میگرفت و ستادی در اهواز
بنام جهاد ۲ تشکیل میداد که در آن ستاد نیروهای
جهادی که مشتاق بودند در جبهه بروند و جلوی دشمن
بایستند در آنجا می‌آمدند و آموزش نظامی می‌دیدند و
سلاح بدوش می‌گرفتند و دوشادوش برادران
خود در سنگرهای آبادان - خرمشهر - سوسنگره ساریه
و هویزه در کنار برادر شهیدمان حسین علم الهدی
می‌ایستادند و با دشمن یعنی می‌چنگیدند این جزئی
از کارهاست و زبان ما قاصر از گفتن همه کارهای
جهاد است. جهاد در همین بین همینطور که سپاه
شکل گرفت انجام پیدا می‌کرد و بیاری خداوند، و
یکی از عینی ترین امدادهای غیبی خدا و معجزات
خدا در جنگ در حالی که دشمن شهرهای ما را محاصره
کرده بود داخل خاک ما بود و بر همین اساس که
مانیروی می‌نداریم که جلوی آن بایستد به پیشروی
ادامه میداد در همین موقعیت سپاه پاسداران تشکیل
گروهان و گردان و تیپ و لشکر و سپاه میدهند و
جهاد هم به طبع در همین جنگ رشد کرده مهندسی آن
قوی شده و ستادها که اول بصورت پراکنده

این طرف هم ما باید قوی باشیم و به طبع چون جهاد سازندگی از نیروی برتری برخوردار است و نیروهای با کیفیتی دارد، در چندین عملیات به این نتیجه رسیدند که مسئولیت مستقیم مهندسی را به جهاد بدهند و برادران سپاه، مهندسی رزمی سپاه و مهندسی ارتش در کنار برادران جهاد هستند و بیاری خدا انشاء... با موفقیت کار خود را شروع کرده و میکنند.

س - کلا تفاوت این عملیات (والفجر) را که در پیش است با عملیات گذشته تا آن حد که صلاح است بازگو شود مشخص کنید؟

ج - تفاوت این عملیات با عملیات گذشته چیزی نیست که در حد ما باشد که بتوانیم بگوئیم و بیان ما و زبان ما قاصر از گفتن آن می باشد دقیقا شما لطف و معجزه خداوند را می بینید که امتی که در راه خدا بلند شده و برای خدا میجنگد چگونه است. در عملیات های گذشته و قبل دشمن با همان مسائلی که خدمت شما گفتیم که ما نیروی نظامی نداریم ارتش نداریم سپاه نداریم سلاح نداریم، محاصره اقتصادی شدیم، سلاح های ما سلاح های آمریکا بوده و آمریکا قطعات آنرا بما نمی دهد آموزش استفاده از آن را هم حتی بما نداده اند و مستشاران خودشان فقط طرز کار سلاحها را میدانستند با تمام این مسائل بماحمله کرد و شما می بینید که در حین جنگ چنان سازماندهی کردیم که امروز بغداد را تهدید می کنیم، امروز صدام در اطراف بغداد خاکریز می زند کانال میکشد که ما وارد بغداد نشویم.

تفاوت این عملیات با عملیات گذشته همین است که شما می بینید صدام چگونه به دست پا افتاده و التماس می کند این طرف آن طرف که حتی برای مدتی هم شده اربابان بتوانند او را نگاه دارند از زمانی که اراده خداوند بر این قرار گرفته که خانی را



سامتذکر شدید سپاه از گروهان شروع کرده والان به سپاه رسیده جهاد هم به همین نسبت رشد کرده و تا آنجایی که اطلاع دارید در این عملیات کلا مهندسی جهه راجهه رسما به عهده گرفته شمامی توانید کمی مسئله را بشکافید که سپاه و ارتش این مسئله مهمی را که بقول بعضی از برادران، این جنگ اکنون یک جنگ مهندسی است و حدود ۳۰٪ یا ۴۰٪ عملیات را مهندسی به عهده دارد، چه ند که برادران سپاه و ارتش این مسئولیت مهم را

کار میکردند منسجم شدند و سازماندهی پیدا کردند دراول برادر شهیدمان مهندس طرحچی دفتری درستاد استان خوزستان دایر کردند بعنوان طرح و برنامه، و دراین دفتر نیروهای جهاد سازماندهی میشدند و قسمت های مختلف راهسازی کارهای مهندسی و ازاین قبیل کارها انجام میدادند و بعدکم کم رشد پیدا کرد، بعداز شهادت برادر شهیدمان طرحچی، دیگر برادر شهیدمان ناجیان (مهندس حسین ناجیان) ادامه راه آن شهیدرا داد و ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب را تشکیل دادند و تشکیلاتی باین نیروهای جهادی دادند و نیروهای استانها پشتیبان لشکرها پشتیبان تیب های برادران ارتش و سپاه شدند و رسما مسئولیت مهندسی جنگ را به عهده گرفتند و درحال حاضر هم که اخیرا سپاه و ارتش دارای قرارگاه مرکزی بنام خاتم الانبیاء و قرارگاه کربلا، نجف و حمزه شدند، ستاد پشتیبانی مناطق جنگی هم چنین تشکیلاتی را دارد، یعنی ستاد مرکزی داریم که پشتیبان قرارگاه خاتم الانبیاء است، ستاد پشتیبانی جنوب، ستاد کربلا داریم که پشتیبان قرارگاه مرکزی کربلا است، ستاد پشتیبانی نجف اشرف راداریم که پشتیبان قرارگاه نجف اشرف است، ستاد پشتیبان حمزه سیدالشهدا داریم که درکردستان هستند و پشتیبان قرارگاه حمزه سیدالشهداست و به شکل منظم و رسما مسئولیت مهندسی جبهه رادارند و دوشادوش برادران مهندسی ارتش و مهندس رزمی سپاه مشغول به خدمت میباشد.

س - باتوجه به اینکه این عملیات اخیر (والفجر) یک تفاوت کلی با عملیات گذشته دارد،

از زمانی که اراده خداوند بر این قرار گرفته که خانی را

نابود کند، فرعونی را نابود کند اگر تمام ابرقدرتها هم بشوند نمی توانند برای یک لحظه او را نابود کنند

نابود کند، فرعونی را نابود کند اگر تمام ابرقدرتها هم جمع بشوند نمی توانند برای یک لحظه هم که شده او را نگه دارند

س - همانطور که میدانید این دو سه سال اخیر بنابه گفته مسئولین این مردم هستند که جنگ را اداره میکنند درمورد نقش مردم در باره جهاد و کمک هایی که میکنند چه از لحاظ نیروی انسانی و چه نیروی مهندسی و چه لوئر و بولدوزی که میاورند و چه راننده های کمپرسی مقداری برای ما توضیح بدهید؟

ج - مردم و این امت قهرمان و شهید پرور همانطور که گفتید جنگ را آنها انجام میدهند. یعنی

بقیه در صفحه ۸۰

رسما به جهاد واگذار کردند؟

ج - این مسئولیت را تنها در این عملیات جهاد نداشته و از چند عملیات گذشته هم رسما این مسئولیت به عهده جهاد گذاشته شده، به خاطر نیروهای مهندسی جهاد هستند که در این عملیات از کلیه استانها شرکت کردند مثلا در قرار گاه کربلا - ستاد پشتیبانی کربلا ایان حدود یازده استان شرکت دارند که این یازده استان هریک پشتیبان یک لشکر و سپاهی است که عملیات مهندسی از قبیل راهسازی و دیگر کارهای مهندسی را انجام میدهد و همانطور که متذکر شدید دشمن در حال حاضر دارد با ما جنگ مهندسی میکند چون دشمن توان رزمیش را از دست داده و بوسیله مهندسی می جنگد، پس



* برادر قربانعلی خوشکدر از استان باختران با سلام و آرزوی موفقیت برایتان، اشعار و مطالبتان را دریافت داشته امید است همواره در سنگر خویش که حفاظت و پاسداری از رژیم جمهوری اسلامی می باشد موفق و پیروز باشید.

* برادر رضا اسماعیلی از تهران ضمن تشکر از همکاری شما با مجله خودتان «جهاد» شهر شما بدست ما رسید انشاء... در شماره یا شماره های آینده از آن استفاده خواهیم کرد. مزید باشید.

* برادر رمضانعلی گلگون از میبد با سلام و آرزوی توفیق الهی برایتان رباعیات شما را دریافت داشتیم انشاء... در راه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی موفق باشید.

* خواهر سهیل رهنما، برادران رضا برنجکار و مقصود اختری از تهران نامه شما عزیزان که حاکی از رهنمودهایی به نشریات ارگانها و نهادها بود، بدستمان رسید. تحقق رهنمودهای ارائه شده به دلائل متعددی در شرایط کنونی بعد به نظر می رسد.

این رهنمودها که حکایت از احساس مسئولیت و تعهد شما نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران می کند، ستودنی است. سرمقاله شماره ۴۶ «مجله جهاد» تا حدودی به نامه شما جواب داده است. منتظر مکاتبات بیشتر شما و ارائه پیشنهادات و انتقاداتتان در رابطه با مجله می باشیم.

* برادر قاسم انصاری از بهران ضمن تشکر و سلام، اشعار شما به دست ما رسید. منتظر دریافت شعرهای دیگر شما هستیم. پیروز باشید.

* برادر سید جواد افشار از دهنشت، نامه شما بدست ما رسید، در مورد اشتباهی که در مقاله میرزا کوچک خان رخ داده بود، متأسفیم، و از دقت نظر شما برادر دانش آموز نسبت به مقاله های منتشر در مجله متشکریم انشاء... از این به بعد سعی در برطرف نمودن اشکالات انشائی و املائی خواهیم کرد. موفق باشید.

* جهاد سازندگی نجف از شما که به زودی طرح جالب و با محتوای شما به مناسبت ۲۲ بهمن بدستمان رسید و همانطور که ملاحظه کردید در شماره ویژه نامه (۴۷) از آن استفاده شد. انشاء... در آینده شاهد وصول طرح دیگر شما باشیم.

* تهران - خواهر عربی داستان شما را دریافت داشتیم. اگر چه عنوان داستان «شهادت» قابل توجه است اما داستان دارای نقاط قوت و ضعفی بود که در نامه جداگانه ای به آدرس شما ارسال خواهد شد موفق باشید.

سومین سمینار سراسری جهاد مدارس

سومین سمینار سراسری جهاد مدارس حدت ۲ روز از ۱۷ بهمن ماه سال جاری در استان کرمان برگزار گردید در این گردهمایی برادران مسئول جهاد مدارس ضمن جمع بندی عملکرد ۶ ماهه گذشته، به بررسی مشکلات و راه حل های موجود در رابطه با آنها در جهاد مدارس، این سنگر رسد استعدادها و ارتقا، فکری دانش آموزان پرداختند، در این سمینار طرحها و حرکت های آینده نیز مورد بررسی قرار گرفت تا بتواند در تحقق اهداف جهاد سازندگی در بعد دانش آموزی

امروز صدام در اطراف ...

فرزندانشان را بصورت بسیج به جبهه ها میفرستند آنطور که دشمن را غافلگیر میکند و از پا در می آورد، جهاد هم از همین نیروهای مردمی برخوردار است اصلا در خود جهاد نیروهایی از مردمی تشکیل شده، جهاد ارگانی است که از متن همین انقلاب و همین مردم جوشیده، مردم کمک و هدایای خودشان را به جهادهای هر استان و روستایی میدهند و جهاد همین ها را در جبهه بین نیروهای رزمنده تقسیم میکند، اینها را به جبهه و خطوط مقدم میبرد و تدارک میکند. نیروهای مردم، آنهایی که نیروهای تخصصی و فنی این ملت هستند توسط جهاد بسیج میشوند و بصورت راننده های لودر و بلدوزر، نیروهای فنی، مهندسی راه و ساختمان تکنیسین ها و کلا امکاناتی که در این رابطه میتوانند به جبهه ها کمک کنند، همه از کانال جهاد میاید و از این کمک های بی دریغ مردم، جهاد برخوردار است.

س - شما اشاره کردید به فعالیتهایی که بچه های جهاد آمدند و جهاد ۲ را درست کردند و به همکاری با برادر شهید علم الهدی اشاره نمودید اگر صلاح میدانید خاطره ای از اوایل جنگ تعریف کنید؟

ج - در آن موقع همه ما فکر می کردیم که هر لحظه خوزستان در حال از دست رفتن است با توجه به اینکه امید داشتیم و امیدوار بودیم که خداوند نمی گذارند ما شکست بخوریم و اینکه این امید را هم امام به ما می داد ولی به هرحال با این حرکت دشمن می دیدیم که هر آن خوزستان را عراق تهدید می کند برادر شهیدمان علم الهدی که اول جزء جهاد خوزستان بود و بعد که بسیج تشکیل شد فرمانده بسیج سپاه پاسداران خوزستان شدند روزی ایشان را از اهواز دیدیم و گفتند که دشمن وارد خاک اهواز میشوند باید یک فکری بکنیم - گفتیم که بیسیم چه فکری بکنیم جلسه ای به اتفاق برادران دیگر گذاشتیم و البته نقشه ای هم گذاشتیم، نیروهای زیادی توسط ایت... منتظری بسیج شده بودند در اهواز این نیروها را بنی صدر در جبهه ها راه نمی داد که بجنگند و اصلا تشکیلاتی که بتواند آنها را سازماندهی بکند و در جبهه برود نبود. تصمیم گرفتیم که این نیروها را ببریم و اطراف خوزستان را سنگر بکنیم کانال بکنیم خندقی بکنیم و مانعی برای عبور

مفید بوده و حرکت زیربنایی و اصولی خود را در بخشیده و بتواند فعالیت های خود را هرچه بیشتر برآورد در این سمینار همجنس برادر رنگه عضو شورای مرکزی جهاد شرکت کرد و سخنانی در رابطه با خط مشی کلی جهاد ایراد نمود در پایان به سئوالات حاضرین پاسخ گفت

در پایان این سمینار قطعنامه ای در ۸ ماده تصویب و بتصویب حاضرین رسید

مسروح جریان سمینار مذکور در شماره های آینده مجله درج خواهد شد.

نیروهای دشمن ایجاد کنیم که نمونه عینی آنرا می توانید در ده کیلومتری جاده اهواز و سوسنگرد ببینید که دور تا دور اهواز، در این خطوط کانال های متعددی زده شده و بعد از این قضیه که یکروز در سوسنگرد بودم مرحله دومی بود که سوسنگرد توسط نیروهای مزدور عراق اشغال شده بودند و در آن حمله از دست آنها با پیام امام پس گرفته شد که در آن عملیات شهید جمران زخمی شد و تیر به پایش اصابت کرد در همان موقع بود که من حسین علم الهدی را داخل سوسنگرد دیده وقتی بایشان گفتم شما در اینجا چه می کنید گفتند که من بعد از اینکه برادران سپاه شهید شدند (مستولین سپاه هویزه سوسنگرد) دیگر نتوانستیم در اهواز طاقت بیآورم و اینجا آمدیم، ما در خدمت این برادر به هویزه رفتیم چون ایشان گفتند که ما میخواهیم سپاه هویزه را تشکیل بدهیم و نیروهایی که در همان ستاد جهاد ۲ آموزش دیده بودند در خطوط مقدم سوسنگرد و ساریه بودند عده ای از این نیروها را با برادر حسین علم الهدی به هویزه بردیم و سپاه آنجا را با یک تعدادی از نیروهای بسیج محلی همان هویزه که برادر حسین آنها را می شناخت تشکیل داد روزی با حسین روی یک موتور سوار شده بودیم و رفتیم برای شناسایی تا نزدیکی دشمن شاید حدود ۱۰۰ متری و ۲۰۰ متری دشمن که در نزدیکی طراح بود آنجا می رفتیم و شناسایی کردیم حسین هر روز روی نقشه ای که گیر آورده بودیم نگاه میکرد و میگفت چرا دشمن اینقدر به ما حمله میکند و ما را دور میزند و ما یکمرتبه این کار را نمی کنیم هرچه با این فرمانده ها تماس گرفته میشد که بالاخره طرحی بریزند و دشمنی که الان تقریبا در جنگ ما هست محاصره کنیم قبول نمی کردند بعد قرار شد که حسین طرحش را پیش آقای خامنه ای ببرد و آن طرح را آنجا ارائه بدهند که بعد از ارائه آن طرح و گفتگو با آقای خامنه ای و نهایتا در اتاق جنگ راهی برای این کار نموده بود و در همان طرح و عملیات بود که در ۱۶ دی یا ۱۵ دی نیروهای زیادی از دشمن یعنی در کنار کرخه و کرخه کور و طراح به محاصره نیروهای ما در آمدند و تعداد زیادی از نیروهای دشمن اسیر شدند که بعدا با خیانت بنی صدر در ۱۶ یا ۱۷ دی نیروهای خودی مجبور به عقب نشینی شدند و دشمن برادر شهیدمان حسین علم الهدی و دیگر یارانش را در آن سرزمین به خاک و خون کشید.